**نما و آرایش ظاهری تمدن نوین اسلامی**

**ایجاد انگیزه[[1]](#footnote-1)**

با توجه به ایام‌الله دهه فجر و شعار هجدهم بهمن ماه امسال[[2]](#footnote-2)، ضروری است تا درباره یکی از مهم‌ترین اندیشه‌های راهبردی مقام معظم رهبری (حفظه الله) سخن به میان آید. تفکری که برگرفته‌ از آموزه‌های دینی و نگاه تیزبین و بصیرت نافذ ایشان است. اندیشه‌ای که با توجه به شرایط زمانه و جریان بیداری اسلامی، تحقق آن وعده حتمی الهی است. به شرط اینکه دنیای اسلام، روحی در این دنیا بدمد و فضای جدیدی ایجاد کند. تفکری که به دنبال ایجاد یک حاکمیت اسلامی است که بتواند جامعه را به جامعه مورد نظر و آرمانی اسلام تبدیل بکند؛ اندیشه‌ای که دشمنان برآنند تا حداکثر توان خود را برای جلوگیری از تشکیل و حرکت آن را به کار بگیرند؛ زیرا می‌دانند این اندیشه، نقطه مقابل منافع سرمایه‌دارهای صهیونیست و کمپانی‌دارهای ظالم و خون‌خوار دنیا است. دشمنان این را می‌فهمند و می‌بینند که این حرکت چطور در دنیا توسعه پیدا می‌کند و ملّت‌ها را متوجّه خودش می‌کند[[3]](#footnote-3).

آری سخن از راهبردی است که اگر به وجود آید، ملت ایران را به اوج عزت، به ثروت و رفاه، امنیت، عزت بین‌المللی و ... همراه با معنویت می‌رساند.»[[4]](#footnote-4)

مقام معظم رهبری (حفظه الله) درباره این اندیشه می‌فرماید: «ما می‌خواهیم کشور خودمان - در درجه اوّل، حالا بحث کشورهای دیگر و مسائل بین‌المللی و جهانی را نمی‌کنیم- یک کشوری بشود که به آن خطوط آرمانی اسلام برسد که این خطوط آرمانی یک چیز مطلوب و شیرینی برای هر انسان متفکّری است؛ یعنی هرکسی که بنشیند فکر کند، مطالعه کند، از این وضع آرمانی جامعه اسلامی لذّت می‌برد؛ جامعه‌ای که در آن، هم علم هست، هم پیشرفت هست، هم عزت هست، هم عدالت هست، هم قدرت مقابله با امواج جهانی هست، هم ثروت هست؛ یک تصویر این‌جوری؛ ما به این می‌گوییم «**تمدّن نوین اسلامی»**، می‌خواهیم کشورمان به اینجا برسد.»[[5]](#footnote-5)

**متن و محتوا**

تمدن اسلامی سابقه درخشانی در تاریخ تمدن دارد. پیامبر اسلام (ص) در پرتو آموزه‌های حیات‌بخش اسلام، انقلاب اجتماعی کاملی در زندگی پیروانش ایجاد و تمدن شکوهمند اسلامی را در یثرب (مدینه النبی) بنیان نهاد. ایشان از همان آغاز رسالت، به شرایط و مؤلفه‌های تمدن‌ساز مانند نظام ارزشی، دین‌مداری، حکومت، حاکمیت، قانون‌گرایی، امت سازی، عدالت‌پروری، دانش‌گستری، شهرنشینی و نظایر آن اهتمام ویژه داشتند. تمدن نوپای اسلامی در اثر تلاش جدی مسلمانان، طی چندین سده، به بار نشست و آثار و برکات آن جهانی شد؛ اما انقلاب اسلامی و تحولات اخیر منطقه و جهان و موج بیداری اسلامی نشان از شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است.

درباره تمدن نوین اسلامی سؤالات مختلفی به ذهن می‌رسد از جمله اینکه شرایط و مؤلفه‌های آن چیست؟ یا لوازم آن چیست؟ یکی دیگر از این سال‌ها، پیرامون چیستی و نمای تمدن نوین اسلامی است و اینکه آرایش ظاهری آن چگونه است؟ دانستن این پاسخ علاوه بر شناخت نسبت به تمدن نوین اسلامی موجب شوق‌آفرینی و ایجاد شور و حرکت به سمت تشکیل تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

نما و آرایش ظاهری تمدن نوین اسلامی

مهم‌ترین نماها و آرایش‌های ظاهری تمدن نوین اسلامی برگرفته از بیانات رهبری فرزانه عبارت‌اند از[[6]](#footnote-6)؛

1. **حکومت مردمی با قوانینی الهی**

اولین نمای تمدن نوین اسلامی، حکومت مردمی با قوانینی الهی است در حقيقت حكومت اسلامي آميزه‌اي است از حكومت الهي و حكومت مردمي؛ یعنی از آنجا كه حركت آن بايد در چهارچوب قوانين الهي باشد، «خدا سالاری» است و از آنجا كه خواسته‌هاي مردم بايد مورد توجه قرار گيرد و برنامه‌ريزي حاكم بايد بر وفق خواسته‌هاي آن‌ها باشد، نوعي «مردم‌سالاری» است. پس دموکراسی خالی نیست زیرا:

**اولاً؛** دمكراسي از منظر فلسفه سياست، مشكلات عدیده‌ای دارد كه خود فيلسوفان غربي (مانند راسل، ديويد هله، شوسپيتر، استيس) سياستمداراني (چون چاسكي و ديگران) به نقد مباني و برآيندهاي آن كرده‌اند و اساساً دمكراسي واقعي نه امکان‌پذیر است و نه آنچه در دنياي امروز وجود دارد، مردم‌سالاری واقعي است. تنها چيزي كه طرفداران دمكراسي در غرب مي‌گويند، اين است كه در تاريخ سياسي غرب، بهترين نظامي كه تاكنون پدید آمده نظام‌هاي سياسي دمكراتيك است؛ ولي اين به معناي اين نيست كه دمكراسي بهترين نظام ممكن باشد.

**ثانیاً؛** نظام سياسي اسلام ويژگي‌هايي دارد كه وجوه مثبت دمكراسي را به عالي‌ترين شكل دارا است؛ ولي از معايب و اشكالات آن پيراسته است. امام خميني (ره) نيز بر اين موضوع تكيه كرده‌اند و نظام اسلامي را نظامي مبتني بر رأی مردم و متكي به قانون الهي مي‌دانند ایشان در توضیح قید «جمهوریت» نظلم می‌فرمایند: «جمهوري به همان معنايي است كه همه جا جمهوري است، لكن اين جمهوري بر يك قانون اساسي متكي است كه قانون اسلام باشد. اينكه ما جمهوري اسلامي مي‌گوييم، براي اين است كه هم شرايط منتخب و هم احكامي كه در ايران جاي مي‌شود، اين‌ها بر اسلام متكي است. لكن انتخاب با ملت است و طرز جمهوري هم همان جمهوري است كه همه جا هست.»[[7]](#footnote-7)

1. **رفاه و ثروت عمومی**

دومین نما و آرایش ظاهری تمدن نوین اسلامی، ایجاد رفاه و ثروت عمومی است. البته نه ثروت بدون معنویت و نه رفاه بدون تأمین خوشبختی انسان‌ها. در دیدگاه تمدن غربی قرن بیستم و دوران مدرن، جمع‌کردن ثروت به عنوان صفت رذیله یا حتی خرده‌فرهنگ نیست؛ بلکه از اصول و مبانی شمرده می‌شود و انسان در دوره جدید برای کسب ثروت حاضر می‌شود؛ هر مشقت و حتی عمل غیرانسانی و منافی ارزش‌های انسانی را انجام دهد و به قدری در این قضیه افراط می‌کند که حتی جان خود را نیز از دست می‌دهد.

تاریخ قرن هفدهم و هجدهم به انسان‌هایی اشاره می‌کند که با هدف کشف طلا در قاره آمریکا، جان خود را از دست دادند. بنابراین بشر غربی دنبال یافتن چیزی است که او را از کار و تلاش رها کند؛ زیرا آرمان او «فراغت» است، مفهومی که به ویژه در تبیین جامعه‌شناختی قرن بیستم به «سرگرمی» تأویل می‌شود. در حالی که در تمدن اسلامی مالکیت خصوصی دارای جایگاه خاصی است و از سوی دیگر مسلمانان در آیات و روایات به کار تشویق می‌شوند و کار کردن در ردیف بالاترین عبادت‌ها محسوب می‌شود.

مقام معظم رهبری (حفظه الله) در نقد تمدن غربی می‌فرمایند: «یک روزی مردم اروپا با استفاده از دانش مسلمین و فلسفه مسلمین توانستند از این دانش و فلسفه استفاده کنند و یک تمدّنی را برای خودشان شالوده‌ریزی کنند. این تمدّن البتّه تمدّن مادّی بود. از قرن شانزدهم و هفدهم میلادی اروپایی‌ها شروع کردند به شالوده‌ریزی یک تمدّن جدید و چون مادّی بود از ابزارهای گوناگون بی‌محابا استفاده کردند؛ [از طرفی‌] به سمت استعمار رفتند، به سمت مغلوب کردن ملّت‌ها رفتند، به سمت غارت کردن ثروت ملّت‌ها رفتند؛ از یک طرف هم خودشان را در درون تقویت کردند با علم و با فنّاوری و با تجربه و این تمدّن را بر عالم بشریت حاکم کردند. این کاری بوده است که اروپایی‌ها در طول چهار پنج قرن انجام دادند. این تمدّنی که آن‌ها به دنیا عرضه کردند ... ملّت‌هایی را فقیر کرد، ملّت‌هایی را تحقیر کرد؛ در درون خود هم دچار تضادها شد، از لحاظ اخلاقی فاسد شدند، از لحاظ معنوی پوک و پوچ شدند. امروز خود غربی‌ها به این معنا گواهی می‌دهند. یک سیاستمدار برجسته غربی به من گفت دنیای ما دنیای پوچ و پوکی است و این را حس می‌کنیم. راست می‌گوید؛ این تمدّن ظاهر پُر زرق ‌و برقی داشت، امّا باطن خطرناکی برای بشریت داشت. امروز تضادهای تمدّن غربی خود را دارد نشان می‌دهد؛ در آمریکا یک‌جور، در اروپا یک‌جور، در مناطق تحت سلطه این‌ها در سراسر دنیا هم یک‌جور.»[[8]](#footnote-8)

در توضیح این نما از آرایش تمدن نوین اسلامی می‌توان گفت: سيستم اقتصادي اسلام در سه محور عمده با نظام سرمايه‏داري تفاوت دارد كه عبارت‌اند از: الف) مسئله مالكيت. ب) نوع فعاليت‏هاي اقتصادي. ج) توزيع ثروت.

**الف) مسئله مالكيت:**

مالكيت در اسلام با ديگر دستگاه‌های اقتصادي تفاوت‏هاي اساسي دارد؛ زيرا در نظام سوسياليستي اصل نفي مالكيت خصوصي است، ولی اسلام قائل به اصل مالكيت مزدوج (مالكيت خصوصي عمومي و دولتي) است و در عين حال براي هر يك از اقسام مالكيت حدود و مقرراتي را وضع كرده كه در صورت اجراي صحيح آن معايب هر يك از دو سيستم ديگر برطرف شده و اقتصاد جامعه بالندگي و شكوفايي نويني خواهد يافت.[[9]](#footnote-9)

**ب) نوع فعاليت‏هاي اقتصادي:**

در نظام اسلامي هر نوع كار و فعاليتي بايد در جهت رفع نيازهاي واقعي انسان‏ها و رشد و سلامت مادي و معنوي جامعه باشد. بنابراين فعاليت‏هايي كه تأمین‌کننده نيازي نيست يا چه بسا موجب مفاسد و انحرافاتي در جامعه است مثل توليد مشروبات الكلي، تصاوير محرك و... در اسلام ممنوع هست، برخلاف اقتصاد سرمايه‏داري كه محدوديتي از اين جهات قائل نيست.

**ج) توزيع ثروت:**

توزيع ثروت در اسلام بر اساس عدالت اجتماعي و بهره‏وري همه اقشار جامعه از اقسام مختلف مالكيتي است و نبايد نظام توزيع به سمت بهره‏وري قشر خاصي بگرايد. در نگاه تمدن اسلامی میان عقیل که برادر رهبر جامعه اسلامی است با مردم عادی هیچ تفاوتی وجود ندارد.

پس روشن شد كه تنها وجه مشترك اقتصاد اسلامی و كاپيتاليسم اصل «احترام به مالكيت خصوصي» است ولي حدود و مقررات آن زمين تا آسمان فرق دارد و دو ماهيت جدا از يكديگرند.[[10]](#footnote-10)

1. **استقرار عدالت**

سومین نما از آرایش‌های ظاهری تمدن نوین اسلامی استقرار عدالت است. عدالت مفهومی ارزشی و از خواسته‌های همیشگی انسان در طول تاریخ است و در زمره مطالبات اساسی زندگی فردی و اجتماعی ‌هست. شعار عدالت همواره مرهمی بر زخم‌های جوامع زخم‌خورده از ظلم و ستم و بیداد بوده و آن‌ها را به دنیای بهتر و سعادتمندتر وعده داده است. اندیشمندان و نظریه‌پردازان بزرگ در این‌باره داد سخن سر داده‌اند و عدالت را یکی از آموزه‌ها و درس‌های اصلی مکتب خود معرفی کرده‌اند. تقریباً هیچ فرد، گروه و یا مکتبی با این مقوله به مخالفت و ستیز برنخاسته است. اهمیت عدل در اسلام به حدی است که مهم‌ترین نتیجه ظهور حضرت حجت (عج) نیز تحقق قسط و عدل در زمین بیان شده است. رسول گرامی اسلام (ص) در این‌باره می‌فرمایند:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تُمْلَأَ الْأَرْضُ ظُلْماً وَ عُدْوَاناً، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتِي- أَوْ قَالَ: مِنْ أَهْلِ بَيْتِي- يَمْلَأُهَا قِسْطاً وَ عَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ عُدْوَانا[[11]](#footnote-11)؛ قیامت برپا نمی‌شود تا زمانی که زمین از ستم و دشمنی آکنده شود، آنگاه مردی از خاندان من قیام کند و زمین را، همچنان که از ظلم و جور آکنده شده، از عدل و داد پر می‌کند.»

مقام معظم رهبری (حفظه الله) درباره تمدن مادی غرب می‌فرمایند: «اگر چه از جلوه‌های زیبایی از فناوری و سرعت و سهولت و ابزارهای زندگی برای مردم برخوردار بوده ولی خوشبختی ملت‌ها را تأمین نکرده، عدالت را برقرار نکرده بلکه بر فرق عدالت کوبیده و ملت‌هایی را اسیر کرده است.»[[12]](#footnote-12)

1. **گسترش اخلاق اسلامی**

یکی دیگر از نماهای تمدن نوین اسلامی «گسترش اخلاق اسلامی» است. بحران‌های متعددی در اثر کنار گذاشتن دین از صحنه زندگی به وجود آمد است. نیمه دوم قرن بیستم با معنویت‌گرایی شروع شد و تلاش مدرنیته این است که با معنویت بخشی، این بحران‌ها را حل کند؛ یعنی بشر پس از چهارصد سال به این نتیجه رسیده است که عقلانیت در حوزه علم و فنّاوری باید همراه با عقلانیت در حوزه معنویت عمل کند؛ اما مدرنیته در این زمینه بی‌راهه می‌رود؛ زیرا معنویت را بر اساس عقلانیت خود بنیان می‌کند. جمع‌کردن معنویت، علم و فنّاوری، نیاز به مدل اجرایی دارد و آنچه حائز اهمیت است، انتخاب و برگزیدن نوعی از تمدن فلسفی جامع و کارا است. بنابراین تمدن اسلامی که دربردارنده حکمت نظری و عملی است و به عرفان و فقه در کنار هم اهمیت می‌دهد، بهترین مدل اجرایی است.

مقام معظم رهبری (حفظه الله) در‌باره جایگاه اخلاق در تمدن نوین اسلامی می‌فرمایند: «تمدن اسلامی می‌تواند با شاخصه‌‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه‌ پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه‌‌ بشریت هدیه دهد و نقطه‌‌ رهایی از جهان‌‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاقِ به لجن کشیده‌‌ای که ارکان تمدن امروزیِ غرب‌اند، باشد.»[[13]](#footnote-13)

در تمدن اسلامی علاوه بر اخلاق فردی و اجتماعی به اخلاق بندگی نیز پرداخته شده است و از انسان می‌خواهد تا در همه حال متخلق به اخلاق اسلامی بشود.

1. **تلاش و کار و ابتکار**

یکی دیگر از نماهای تمدن نوین اسلامی تلاش و کار و ابتکار است. در تمدن نوین اسلامی کار همراه با ابتکار است. چنان که مسلمانان قرن‌ها قبل از اروپائیان، موفق به ساخت انواع ساعت‌های آبی، آسیاب بادی در سیستان و چرم‌سازی شدند که ابن جبیر اندلسی درباره ساعت بالای مسجد دمشق توضیح مفصلی را ارائه کرده است.

جرجی زیدان درباره کار و ابتکارهای که مسلمانان به آن‌ها دست یافتند، چنین می‌نویسد «مسلمانان نیشکر را از هند به فارس آورده و کارخانه شکرریزی ساختند و قند و شکرهایی ساختند که در دنیای آن روز بی‌مانند بود؛ کاغذسازی نیز از صنایع مخصوص اسلامی است؛ به این معنی که آنان فن کاغذسازی را تکمیل کردند و از راه اندلس به فرنگستان منتقل ساختند. در پاره‌ای از شهرهای اندلس، کاغذهایی می‌ساختند که در سراسر شرق بی‌نظیر بود. در شهر مرسیه کارخانه‌هایی بود که در آنجا فرش‌های عالی می‌بافتند و پارچه‌ها و لباس‌های زربفت تهیه می‌کردند و تخت‌های مرصع می‌ساختند؛ در شهر بالغه (اندلس) کارخانه‌هایی شیشه‌سازی و فخاری و کاشی‌کاری بود که به طرز خاصی ظرف‌های سفالین را با خاک طلا و کاشی‌ها را با خاک نقره تهیه می‌نمودند و شیشه‌گری آنان مشهور آفاق بود.»[[14]](#footnote-14)

بنابراین یکی از مهم­ترین اندیشه­‌های راهبردی مقام معظم رهبری (حفظه الله) را باید مراحل ۵ گانه تکاملی انقلاب اسلامی یعنی «تحقق انقلاب اسلامی»، «تأسیس نظام اسلامی»، «تشکیل دولت اسلامی»، «تحقق جامعه اسلامی» و «تشکیل تمدن بزرگ اسلامی» دانست. به فرموده ایشان، پیروزی اسلام و احیای تمدن اسلامی وعده حتمی الهی است. شرایط زمان به نفع اسلام و بیداری اسلامی در جریان است که اگر به خوبی مدیریت شود. پیروزی اسلام‌گرایان در کشور‌های اسلامی قطعی است.

مقام معظم رهبری در این‌باره می‌فرمایند: «من با اطمینان کامل می‌گویم: این هنوز آغاز کار است و تحقق کامل وعده الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی‌ لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً وَ مَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ[[15]](#footnote-15)»

نشانه این وعده تخلف‌ناپذیر در اولین و مهم‌ترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه‌ حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد.[[16]](#footnote-16)

1. . روش تلفیقی ابهام در موضوع به همراه تعریف از موضوع. [↑](#footnote-ref-1)
2. . هجدهم بهمن‌ماه امسال با شعار انقلاب اسلامی؛ معنویت‌گرایی؛ حاکمیت ارزش‌ها؛ فرهنگ و تمدن نوین اسلامی نام‌گذاری شده است. [↑](#footnote-ref-2)
3. . برگرفته از بیانات رهبری (حفظه) در دانشگاه افسرى و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، 13/2/1393. [↑](#footnote-ref-3)
4. . بیانات رهبری (حفظه) در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، 23/7/1391. [↑](#footnote-ref-4)
5. . بیانات در دیدار جمعى از دانشجویان، 20/4/1394. [↑](#footnote-ref-5)
6. . مقام معظم رهبری (حفظه الله) درباره نما و لوازم تمدن نوین اسلامی می‌فرمایند: «آرایش ظاهری این تمدن را در حكومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوبه نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه خواری و ربا و تكاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم و در تلاش و كار و ابتكار، می‌توان و باید مشاهده كرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی و از اقتصاد و بانكداری تا تولید فنی و فناوری و از رسانه‌‌های مدرن تا هنر و سینما و تا روابط بین‌‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن سازی است.» دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با رهبر انقلاب 1391/12/14 [↑](#footnote-ref-6)
7. . صحيفه نور، ج 2، ص 351. [↑](#footnote-ref-7)
8. . بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان اجلاس وحدت اسلامى، 8/10/1394. [↑](#footnote-ref-8)
9. . محدوديت‏هايي كه اسلام براي مالكيت خصوصي قائل است عبارت‌اند:

   الف) محدوديت روشي: بر خلاف كاپيتاليسم در اقتصاد اسلامي پيمودن هر راهي براي كسب ثروت مجاز نيست و تنها از راه‏هاي قانوني و شرعي ويژه شخص آزادي فعاليت اقتصادي دارد. برخي از راه‏هايي كه اسلام براي ازدياد ثروت ممنوع ساخته عبارت‌اند از: ربا، احتكار، انحصار و توليدات حرام و ... (ر. ك: مكاسب محرمه).

   ب) محدوديت مصرفي: نوع مصرف و استفاده از ثروت نيز در اسلام از آزادي مطلق برخوردار نیست و بايد در چارچوب قانوني ويژه‏اي قرار گيرد. از جمله اموري كه اسلام در اين رابطه ممنوع ساخته عبارت‌اند از: اسراف، تبذير، خريد آلات حرام و از بين بردن ثروت به‌ویژه مايحتاج عمومي.

   ج) محدوديت موضوعي: از نظر اسلام برخلاف سرمايه‏داري همه چيز نمي‏تواند تحت مالكيت خصوصي درآيد مانند جنگل‏ها، درياها، معادن و منابع زير زميني، صنايع مادر و ...

   د) مشاركت اجتماعي: در اقتصاد اسلامي هر فرد پس از پيمودن راه‏هاي مشروع كسب ثروت چنانچه او برای رفع نیازهای عادي خود و خانواده‏اش درآمدی كسب كرد، مسؤوليتي اجتماعي بر دوش دارد و بايد مقداري از آن ثروت را براي تأمین نيازمندي‏هاي جامعه صرف كند تا از رشد بي‏رويه ثروت او و عقب‌ماندگی جامعه جلوگيري شده و همراه با فعاليت‏هاي اقتصادي او جامعه نيز بالندگي يابد (ماليات‏هاي اسلامي).

   ه) اختيارات دولت اسلامي: دولت اسلامي ضمن آن‌که بايد نسبت به اجراي موارد فوق بر فعاليت‏هاي اقتصادی بخش خصوصي نظارت نمايد علاوه بر آن در صورتي كه مشاهده كند كه در گوشه‏اي ثروت هنگفتي تمركز يافته و در بخش‌های ديگر جامعه نيازهاي شديدي وجود دارد و آن تمركز موجب شكاف طبقاتي عميق شده و براي جامعه زیان‌بار است مي‏تواند هر مقدار كه ضرورت داشته باشد مصادره نموده و در نيازهاي جامعه صرف نمايد. [↑](#footnote-ref-9)
10. . براي آگاهي بيشتر ر. ك: اقتصاد ما شهيد آیت‌الله صدر. [↑](#footnote-ref-10)
11. . دلایل الإمامة، ص 467. [↑](#footnote-ref-11)
12. . مقام معظم رهبری (حفظه الله)، 8/10/1394. [↑](#footnote-ref-12)
13. . اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی 9/2/ 1392. [↑](#footnote-ref-13)
14. . تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ص 905. [↑](#footnote-ref-14)
15. . نور/ 55. [↑](#footnote-ref-15)
16. . گزیده پیام رهبری (حفظه الله) به کنگره عظیم حج، 17/9/1387. [↑](#footnote-ref-16)